فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc471214798)

[دو ویژگی در ماندگاری خطاب متکلم 2](#_Toc471214799)

[شک در اعتماد به ظهورات 3](#_Toc471214800)

[قرار شارع بر اعتماد بر ظهورات 3](#_Toc471214801)

[استدلال بر ماندگاری ظهورات 3](#_Toc471214802)

[1. عدم فرق بین مشافه و غیر مشافه در مراجعه به ظهور 4](#_Toc471214803)

[مبنای تمدن بشر و انتقال علوم 4](#_Toc471214804)

[2. مدلول مطابقی و التزامی در ظهورات احکام 5](#_Toc471214805)

[بیان مدلول التزامی در ظهورات کلام متکلم 6](#_Toc471214806)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ شمول خطاب نسبت به غیرمشافهین و معدومین

# اشاره

بحث شمول خطابات و ظهورات به غیر مشافهین و معدومین در چهار محور بیان شد، چهار نوع استدلال شد برای اینکه این ظهوراتی که برای مشافهین هست، برای دیگران حجیت ندارد؛ همه این‌ها یک حالت تعلیق و اناطه و مشروطیت داشت؛ برای اینکه برگشت این‌ها به این بود که آیا متکلم در مقام ماندگار ساختن ظهور برای نسل‌های بعد و غیر مشافهین هست یا نه؟ و در این جایگاه و مقام، صلاحیت این را دارد و قرار بر این داشته است یا نه؟

## دو ویژگی در ماندگاری خطاب متکلم

حجیت ظهورات و شمول خطابات برای غیر مشافهین و برای نسل‌هایی که بعد به وجود خواهند آمد، تابع دو ویژگی است، اگر شخص این دو ویژگی را داشته باشد، می‌تواند خطاباتش ماندگار باشد و دو ویژگی عبارتند از:

1. متکلم صلاحیت جعل حکمی نسبت به آیندگان را داشته باشد.

2. متکلم در مقام این باشد که سخنی برای آیندگان بیان کرده باشد.

در خصوص ویژگی اول بحثی نیست، برای اینکه فرض این است که مققن یا شارع و خداوند تبارک‌وتعالی، حق تشریع او تکوینی است، بحث‌های کلامی در این زمینه مورد قبول است، همان‌طور که خداوند در عالم تکوین صاحب حق است، در عالم تشریع هم حق دارد و این حق هم عام و تام و کامل است و محدود به زمان خاص یا نسل خاصی نیست.

در ویژگی دوم، علی‌الاصول این کلام که صادر می‌شود، دارای ظهوری است که می‌تواند در آینده هم کسانی از این استفاده بکنند، مهم این است که شارع قرارش این است؛ طوری تنظیم بکند که این‌ها بماند و به این‌ها اعتماد کرده و حجت برای دیگران باشد، آیا قرار او بر این است که این‌ها حجت است یا قرار او بر این نیست؟

ویژگی دوم اهمیت بیشتر دارد، برای اعمال حد تشریع و قانون و برای قانون‌گذاری، این‌ها را حجت قرار داده برای همه نسل‌ها و آیندگان یا نه؟

گاهی اشکال در اصل اینکه این ظهور باقی می‌ماند یا نمی‌ماند و شبهات هرمنوتیکی و امثال این‌ها ایجاد می‌شود، اشکال بعدی این است که آیا دیگران هم قرار هست به این‌ها مراجعه بکنند و از این‌ها استنباط بکنند، از این‌ها احکام و معارف را استخراج بکنند، آیا قرار بر این گذاشته یا نگذاشته است؟

طبق مقدمه دوم مطلب این است که آیا شارع قرار بر این گذاشته است که این ظواهر بماند و او هم به این‌ها اعتماد بکند و دیگران به این ظواهر برای استنباط اعتماد بکنند یا نه؟

اینکه بیان می‌شود؛ آیا این ظهورات برای مشافهین، یا برای معدومین اعتبار دارد یا نه و می‌توانند آن‌ها هم مخاطب این‌ ظهورات باشند؟ و اینکه آیا همه قواعد ظهورات از جمله اصالة الاطلاق و اصالة العموم و امثال این‌ها، در این کلمات برای نسل‌های آینده جاری می‌شود یا نه؟ این سؤال تابعی از این متغیر است که قرار این شارع یا متکلم برای چیست؟ آیا بر اعتماد به ظهورات در طول نسل‌ها و عصرها است یا نه؟

آیا با فرض واقعیت‌های تاریخی؛ بنای متکلم بر اعتماد به ظهورات و فهم شخص در آینده هست یا نه؟

فرض این است که شارع احاطه بر همه حقائق داشته و می‌دانسته است که در نسل‌ها و عصرهای آینده، افرادی به این مسائل مراجعه می‌کنند و با فحص و تتبعی که انجام می‌دهند به ظهورات عمل می‌کنند.

## شک در اعتماد به ظهورات

اگر کسی شک بکند که آیا به ظهورات اعتماد بکند یا نکند؟ شک مساوق با عدم حجیت است، باید اطمینان داشته باشد این خطابات برای نسل‌های آینده هست و قرار او بر این است که در عصرها و نسل‌های آینده این خطابات مورد توجه قرار بگیرد.

## قرار شارع بر اعتماد بر ظهورات

قرار شارع بر اعتماد بر ظهورات و حجیت ظهورات است در قرن‌های بعدی و نسل‌هایی که در آن زمان نبودند؛ نسل‌های آینده هم مخاطب هستند و آن نسل‌ها می‌توانند طبق قواعد عرفی عقلایی برداشت بکنند و قواعدی در آن‌ها اعمال بکنند.

## استدلال بر ماندگاری ظهورات

در اینجا چند استدلال می‌توان بیان کرد:

### 1. عدم فرق بین مشافه و غیر مشافه در مراجعه به ظهور

سیره عقلایه بر این است که اگر کسی سخنی می‌گوید و ظهوری از خود به جا می‌گذارد، در تمسک به این ظهور و مراجعه به این ظهور، فرقی بین نسل حاضر و نسل‌های آینده نیست، فرقی بین مشافه و غیر مشافه نیست، صحیح است که نسل‌های آینده اگر از آن شرایط صدور متن فاصله بگیرند تتبعشان دشوارتر است و تحقیقشان سخت‌تر و دقت‌های بیشتری باید به کار ببرند، اما مفروض این است که بحث‌های هرمنوتیکی را قبول نداریم که بگوییم؛ اصلاً راهی وجود ندارد، بلکه راه وجود دارد و سیره عقلا هم بر این است که این ظهورات ماندگار است.

### مبنای تمدن بشر و انتقال علوم

سیره عقلائیه، مبنای تمدن بشر است و بر اساس این است که دانش‌ها و علوم، نسل به نسل منتقل می‌شود.

سیره عقلایی و حکم عقلایی بر این است که این ظهورات در مشافه و غیر مشافه فرقی ندارد، در موجود و معدوم‌ها هم فرقی ندارند، ارزش این مسئله به این است که اگر متن قانونی است و قرار هست که قانون ابدی باشد، ابدی می‌شود، اگر متن علمی هست، اما ظهور و حجت ظهورات این متن اختصاص به کسی ندارد که طرف سخن متکلم یا شارع باشد، این ظهور ابدی است.

حجیت ظواهری که اول اصول است، اختصاص به مخاطب حاضر در جلسه نیست، بلکه حجیت عمومی است، زمانی که کلام صادر شد، ظهوری دارد؛ این ظهور ماندگار است و هر فردی می‌تواند از آن استفاده و استظهار بکند.

تمدن و ماندگاری افکار بشر، علم، قوانین، قواعد؛ به این امر عقلایی و سیره است که می‌گوید؛ ظهورات اختصاص به مخاطب حاضر ندارد و نسل‌های بعدی را هم در بر می‌گیرد، تا زمانی که خلاف این مطلب ثابت نشود، این‌ها اعتبار دارند.

دو مطلب بیان شد:

1- مطلب اول این بود؛ متنی که دچار تغییر و تحول می‌شود، آیا ممکن است گفته شود که به این دلیل، شارع به آن اعتماد نکرده باشد و اینکه سیره عقلا در اصل بقا ظهورات چیست؟ در اصل بقا ظهورات و اینکه کلامی از فردی صادر شد؛ ظهورش باقی است و برای همه این ظهور اعتبار دارد، یک امر عقلایی است و بسیار در تاریخ فکر و تمدن بشر قوی است.

2- مطلب دوم این بود که در گذر زمان امکان دارد پرده‌هایی روی ظهورات قرار بگیرد، البته طبیعی است و فرد برای اینکه پرده‌ها را کنار بزند؛ باید تلاش را انجام بدهد، امکان دارد در اینجا دلیل دومی بیان شود که قابل تأمل است.

### 2. مدلول مطابقی و التزامی در ظهورات احکام

دلیل دوم این است که کسی به «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»[[1]](#footnote-1) تمسک بکند و بیان شود که معنایش این است که؛ ظهورات معتبر است، زمانی که می‌فرماید: «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»، مدلول مطابقی و التزامی دارد، مدلول مطابقی‌اش این است که شریعت رسول خدا؛ شریعت خاتم است و هر حکم و معرفتی در این شریعت بود؛ ابدی است، مدلول التزامی‌اش که می‌گوییم ابدی است؛ مستلزم این است که بگوییم این ظهورات ماندگار است، اگر اصل بر این نباشد که ظهورات ماندگار باشد، بیانی باقی نمی‌ماند.

#### اشکال

اگر به این استدلال اشکال شود و بیان شود؛ «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»؛ تمسک به عام در شبهه مصداقیه است، برای اینکه ظهور اگر حجت باشد، این حلال می‌شود، اگر حجت نباشد؛ حکم او نیست که بیان شود باقی است.

#### جواب

ممکن است جواب داده شود به اینکه؛ اگر شما بگویید: نمی‌خواهد به نحو التزامی بگوید حکم ظهورات ماندگار است، معنایش این است که در احکام همیشه شک شود و هر موقع شک شد؛ به اصول عقلایی عمل بشود و این درست نیست، «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**» در همین کلمات منطوی است، ظاهر مدلول التزامی‌اش این است که «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**» و در خطبه غدیریِ این‌چنین دارد که «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَ اللَّهِ مَا مِنْ شَيْ‌ءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَ قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَ مَا مِنْ شَيْ‌ءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ قَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْه‌** »[[2]](#footnote-2)، یعنی همه چیزهایی که گفته می‌شود، در امرونهی‌ها و گفته‌های ماست و همیشه باقی است و این مطلب مستلزم این است که ظهور این کلام‌ها حجیت داشته باشد.

استدلال اول؛ سیره عقلائیه است.

# بیان مدلول التزامی در ظهورات کلام متکلم

استدلال دوم، مدلول التزامی مجموعه‌ای از ادله‌ای است که می‌فرمایند: **«حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»، این حدیث ملازمه عرفی با این دارد که؛ کلماتی را که فرموند؛ همه نسل‌ها را در بر می‌گیرد، حکم و معارف که می‌گوییم همیشگی است، یعنی حامل آن کلمات و متون، همیشگی است و همیشه می‌شود از آن استفاده کرد، باید کلمات ماندگار باشد که حلال و حرام ماندگار باشد.

1. **- کافی ، ج2، ص 17** [↑](#footnote-ref-1)
2. **-**[**بحار الانوار، علامه مجلسی، ج67، ص96، ط بیروت.**](http://lib.eshia.ir/11008/67/96/%D8%AE%D8%B7%D8%A8) [↑](#footnote-ref-2)